



گزارش نشست نقد و بررسی کتاب روند جنگ ایران و عراق نوشته دکتر حسین علایی

زهرا ناظری

اکبرپور و... در پایان جلسه، آقای دکتر علایی به سؤالات و ایرادات مطرح شده پاسخ گفتند.

ویژگی اصلی کتاب؛ ایجاز و جامعیت آن

در ابتدای جلسه، آقای دکتر حسین علایی، نویسنده محترم کتاب و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین^(ع)، به ایراد سخنرانی پرداختند و سخنان خود را این گونه آغاز کردند: «اینجانب خرسندم از اینکه مرکز اسناد به نقد و بررسی کتاب دو جلدی بنده همت گماشته است و این کار قطعاً ادامه کار بزرگی است که شهدا انجام داده‌اند. دلیلی که من دست به نوشتن این کتاب زدم این بوده است که کتاب‌های زیادی در زمینه جنگ ایران و عراق نوشته شده است، ولی کتابی که جنگ را از ابتدا تا انتها به صورت مختصر و جامع بیان کرده باشد و تحلیلی از آن ارائه کرده باشد، در بین کتاب‌های موجود چنین کتابی وجود ندارد، گرچه برادر عزیزمان جناب آقای درودیان تمام جنگ را نوشته‌اند یا دوستان راوی جنگ هر کدام نوشته‌اند یا ارتش یا سپاه هم به همین صورت، ولی اگر فردی بخواهد از ابتدا تا به انتهای جنگ و

چهاردهمین جلسه نقد و بررسی کتاب با حضور شماری از پژوهشگران، راویان، منتقدان، صاحب‌نظران و خبرنگاران در تاریخ ۷ آبان ۱۳۹۲ در نمایشگاه کتاب دفاع مقدس در مصلی تهران برگزار شد. محوریت این جلسه بررسی کتاب دو جلدی *روند جنگ ایران و عراق* نوشته دکتر حسین علایی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین^(ع) و فرمانده اسبق نیروی دریایی و رئیس محترم ستاد مشترک سپاه پاسداران بود.

در ابتدای نشست، آقای دکتر علایی، نویسنده گرانقدر کتاب، سخنرانی کردند و به تشریح علل تألیف و تدوین کتاب پرداختند. پس از ایشان، به ترتیب، سه تن از منتقدان با دیدگاه‌های کارشناسی خود محاسن و معایب کتاب را برشمردند. ابتدا، امیر سرتیپ دوم ستاد، مسعود بختیاری، و سپس سردار سرتیپ پاسدار، دکتر یعقوب زهدی، و در نهایت دکتر فرهاد درویشی سخنانی ایراد کردند. در ادامه، چند تن از حضار در مجلس به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند و به اختصار نکاتی را در خصوص کتاب *روند جنگ ایران و عراق* بیان داشتند؛ از جمله آقایان سرمدی، امیر صادقی‌گویا،

موضوع و متکی بر شواهد اتفاق افتاده و بر [اساس] واقعیت‌ها بررسی کرده‌ام که چرا جنگ آغاز شد و عراق دنبال چه چیزی بوده است و تا انتها این موارد را بررسی و تحلیل کرده‌ام و تقریباً مسائل مربوط به جنگ را طرح کرده و تحلیل کرده‌ام و این به این معنا نیست که ما به همه چیز پرداخته‌ایم، بلکه بسیاری از عملیات‌ها را نپرداخته‌ایم و به نظر بنده، به هر چیزی که نقش تعیین‌کننده داشته است و می‌توان از آن به‌عنوان نقطه عطف نام برد، اینها را در کتاب بهشان پرداخته‌ایم و در همه‌جا مسائل را تحلیل کرده‌ایم تا اینکه می‌رسیم به دوران پایان جنگ و قطعنامه ۵۹۸ و این مسئله که جنگی شروع شد و چگونه تمام شد. همچنین فصل آخر به نظر بنده فصل بسیار مهمی است، زیرا که آن تجربیات و درس‌های جنگ و دستاوردهای جنگ را مورد بررسی قرار داده‌ایم. نکته‌ای که در این کتاب هست، این است که بنده کتاب را به این گونه نوشته‌ام که برای یک خواننده عادی و نیز برای یک استاد دانشگاه قابل استفاده باشد و برای یک دانشجوی علاقه‌مند هم قابل استفاده و فهم باشد.

حوادث ماقبل و بعد از آن را به‌صورت تحلیلی دریافت کند، به‌نحوی که آن کتاب نه خیلی به‌صورت مفصل باشد و البته شامل همه موارد هم باشد، این را بنده پیدا نمی‌کردم و گمان نمی‌کنم چنین کتابی موجود باشد تا بتواند نیاز ایجادشده را پاسخ بگوید. بنابراین، به ذهن بنده رسید تا به نوشتن این کتاب پردازم. از زمانی که ایران و عراق اختلاف اراضی‌شان با معاهده ۱۹۷۵ به‌ظاهر تمام شد، شروع کنم تا زمانی که صدام حسین به‌عنوان دشمن اصلی ایران و حزب بعث از بین رفتند را مطالعه کرده و این دوره را مورد بررسی قرار دهم که بخش عمده این دوره جنگ هشت ساله است. به‌همین خاطر، کتاب را براین مبنا در ده فصل تدوین کردم؛ یعنی از فصل اول که شروع می‌شود، مسائل بین ایران و عراق به‌صورت کلی مورد بحث قرار گرفته است و نیز معاهده ۱۹۷۵ را و پس از آن ظهور انقلاب اسلامی و تغییر ساختار در قدرت و در منطقه خاورمیانه را مورد بررسی قرار دادم و بعد از آن به این مسئله پرداخته‌ام که چرا جنگ شروع شد. در واقع، به‌نظر بنده به‌صورت تئوریک روی این



دکتر حسین علایی نویسنده کتاب "روند جنگ ایران و عراق"

جلسات تقریباً بنده شرکت کرده‌ام و با دقت نکاتی که به‌نظرم می‌آمده است را یادداشت کرده‌ام. بنده در جلسات مرکز اسناد یا پژوهشگاه دفاع مقدس یا باغ موزه که با حضور مسئولان بوده است، شرکت کرده‌ام؛ بنابراین، اطلاعاتی که نوشته‌ام با دقت در مواردی بوده است که فرماندهان در جلسات مطرح کرده‌اند. حتی به مواردی که فرمانده سعی کرده است واقعه‌ای را طوری مطرح کند که خودش زیر سؤال نرود به آن هم بنده دقت کرده‌ام.

بنده در تدوین این کتاب سعی کرده‌ام احساسات خودم را در موارد مختلفی چون رزمندگان و شهدا و امام و... کنار گذاشته و تبدیل به یک انسان علمی بشوم. به‌طوری‌که تصورات قبلی خودم را مسلّم ندانسته‌ام و خودم را کنار کشیده و داده‌ها را کنار هم گذاشته و تحلیل کرده‌ام و درواقع روش علمی به‌این‌صورت است که نباید از قبل به نتیجه رسیده باشی و بخواهید پس از آن، آن را

اثبات کنی و سعی بنده در این کتاب به‌این‌صورت بوده است که روش علمی را به کار ببندم و ممکن است تحلیل‌هایی که در این کتاب نوشته‌ام به‌گونه‌ای باشد که در کتاب‌های دیگر به‌این‌صورت نبوده باشد؛ بنابراین، بنده الزاماً نگاه رایج به جنگ را تبعیت نکرده‌ام. مثلاً اگر در عملیاتی شکست خورده‌ایم، به‌صراحت نوشته‌ام که شکست خورده‌ایم و دلایلش هم این بوده است و تنها به حوزه نظامی در این کتاب نپرداخته‌ام، ولی به سیاست خارجی پرداخته‌ام و سیاست خارجی ایران را در آن دوره به‌صورت کلی

از آن زمانی که درس دو واحدی دفاع مقدس در دانشگاه راه افتاد، نیاز به یک منبعی که اساتید بتوانند با آن همه مطالبی که می‌خواهند، بیابند، بیشتر احساس شد و من فکر می‌کنم این کتاب می‌تواند چنین پاسخی را بدهد، گرچه برای دو واحد درسی خیلی حجیم است، ولی برای اساتید و دانشجویان می‌تواند جامع باشد.

بنده در نگارش این کتاب سعی کرده‌ام از منابع درست استفاده کنم، یعنی از منابع معتبر استفاده کنم. همان‌طوری که می‌دانیم، منابع و اطلاعات درمورد جنگ بسیار است، ولی لزوماً همه این منابع درست نیست. انتخاب اطلاعاتی که درست است نیاز به شناخت دارد و خوشبختانه بنده از ابتدا تا به انتهای جنگ در متن بوده‌ام و هم در جایی بوده‌ام که اطلاعات مربوط به جنگ به آنجا می‌رسیده است (در قرارگاه مرکزی) و هر اتفاقی در جنگ افتاده است ما به‌صورت دقیق آن را دریافت کرده‌ایم و در همان زمان هم آن اطلاعات تحلیل شده است. بنابراین، ما نگاه کلی و جامعی نسبت به جنگ داشته‌ایم و این در استفاده از منابع یاری‌رسان ما بوده است. مثلاً همگی ما مواردی را دیده‌ایم که از یک نویسنده واحد موارد متناقض در کتاب‌ها وجود دارد، ولی بنده در این کتاب از مواردی بهره برده‌ام که معتبر بوده و منابعی را استفاده کردم که درست بوده و خود شاهد وقایع آن بوده‌ام.

نوشتن این کتاب ده سال طول کشیده است؛ از زمانی که بنده فکر کرده‌ام تا زمانی که تدوین کرده‌ام و تا وقتی که به‌صورت کتاب بیرون آمد. در این مدت، بنده در تمام جلسات مربوط به جنگ شرکت کرده‌ام. مثلاً تاریخ شفاهی مربوط به آقای محسن رضایی به‌عنوان فرمانده سپاه، در تمام جلسات آن شرکت کرده‌ام یا جلسات مربوط به آقای رشید یا آقای رحیم صفوی بنده در آنها شرکت کرده‌ام یا جلسات مربوط به فرماندهان آن‌موقع جنگ در همه

دکتر حسین علایی:

از آن زمانی که درس دو واحدی دفاع مقدس در دانشگاه راه افتاد، نیاز به یک منبعی که اساتید بتوانند با آن همه مطالبی که می‌خواهند، بیابند، بیشتر احساس شد و من فکر می‌کنم این کتاب می‌تواند چنین پاسخی را بدهد.

جلسه بودند که سخنانی بدین ترتیب ایراد کردند: «ابتدا به جناب آقای دکتر علایی و مرکز اسناد، خسته نباشید عرض می‌کنم به‌خاطر چاپ و نگارش این کتاب. بنده این کتاب را دو بار مطالعه کرده‌ام. یک‌بار قبل از چاپ و بار دوم پس از چاپ. این کتاب بیشتر از اینکه روند جنگ ایران و عراق باشد، تحلیل آن است و ابتدا هم نام آن *تحلیلی بر جنگ ایران و عراق بود* و پس از آن نامش تغییر کرد و *روند جنگ ایران و عراق* شد و بین این دو تفاوت است، زیرا که تحلیل ایستادن و دقت کردن است و روند تنها بیان کردن و گذشتن است و به‌نظر بنده، در این کتاب هر دوی این موارد هست. به‌نظر بنده، میان کتاب‌هایی که جنگ را به‌صورت کلی بررسی کرده‌اند و تاریخ آن را مورد کاوش قرار داده‌اند، کتاب آقای دکتر علایی، کتابی جامع و فراگیر است و درمورد کلیه اصول و موارد مربوط به جنگ؛ سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و... مسائلی را مطرح کرده‌اند و گفته‌اند. این کتاب در ده فصل، با ۱۳۳۷ عنوان و چیزی در حدود ۱۴۵۰ صفحه را شامل می‌شود و همه این عناوین و موضوعات مطروحه نشان می‌دهد که نویسنده چگونه به همه جوانب جنگ پرداخته است. نثر این کتاب بسیار سلیس، شیوا و ساده است، درعین‌اینکه بسیار تخصصی و حرفه‌ای است و این کتاب به‌گونه‌ای نوشته شده که همه اقشار می‌توانند از آن استفاده کنند و نویسندگان به‌عنوان یک قالب و الگوی خاص خواننده را با خودشان همراه می‌کنند تا پایان کتاب می‌روند و خواننده از مسیر منحرف نمی‌شود.

نکته مهم دیگر حضور خود نویسنده محترم در متن جنگ است و منابع بسیار متعدد ایشان که حدود ۲۰۰۰ عنوان کتاب است و این جزء محسنات کتاب است و پژوهش این کتاب هم به‌صورت میدانی صورت گرفته و هم به‌صورت

بررسی کرده و اداره کشور را هم مورد نقد و بررسی قرار داده‌ام. به اقتصاد دوره‌های جنگ هم پرداخته‌ام و بر همین اساس هم کتاب را سعی کرده‌ام کتابی بر اصول و مبنای صحیح و درست، تدوین کرده باشم. در پایان، از درگاه خداوند منان شاکر هستم برای این توفیقی که به این بنده داده است برای نگارش این کتاب و فرصتی که برای اینجانب ایجاد شده است. همچنین از مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس که این کتاب را چاپ کرده‌اند و برادر عزیزمان آقای محمد دوردیان که بر این کتاب نظارت کرده‌اند و مطالب کتاب را قبل از چاپ مطالعه کرده‌اند و همچنین باید تشکر کنم از فرماندهان ارتش و سپاه و سایر مسئولانی که در جنگ بوده‌اند و بسیاری از آنها مطالب را با دقت خوانده‌اند و به بنده نظر داده‌اند و من از آن نظرات استفاده کرده‌ام و بنده این کتاب را در اختیار بیست نفر از فرماندهان قرار داده‌ام تا نظراتشان را داشته باشیم و الآن هم از آن کسانی که کتاب را نقد می‌کنند متشکرم، به‌عنوان بهترین هدیه‌ای که می‌توانند به اینجانب بدهند. این نکته را هم بیان کنم که در چاپ جدید کتاب که ان‌شاءالله انجام بشود، بنده مجبور شده‌ام حدود صد صفحه مطلب جدید به مطالب اضافه کنم و حتماً از این لحاظ کتاب نسبت به چاپ قبل تفاوت‌هایی را خواهد داشت.»

نثر شیوا، سلیس و ساده برای کتابی حرفه‌ای

امیر سرتیپ دوم ستاد مسعود بختیاری اولین منتقد

امیر سرتیپ دوم ستاد مسعود
بختیاری: مؤلف سعی کرده
است که در بیان وقایع، موضع
بی‌طرف‌بودنش را حفظ کند،
ولی به‌اعتقاد بنده تا حدود ۷۰
- ۸۰ درصد توانسته است در
این مسئله موفق باشد و این
طبیعی هم هست.



از راست: دکتر فرهاد درویشی، حسن دری، یعقوب زهدی و امیرمسعود بختیاری

این کتاب جامع‌ترین کتابی است که فرمایشات حضرت امام خمینی^(ره) را به مناسبت ماقبل از جنگ تا انتهای جنگ و پس از آن آورده‌اند و به خوبی نقش امام^(ره) را به‌عنوان فرمانده کل قوا در جنگ بیان کرده‌اند. در پایان کتاب هم نویسنده به خوبی از تحقیق‌ها و نوشته‌هایشان نتیجه‌گیری کرده است و نتیجه‌گیری ایشان از جنگ به نظر بنده جالب و قابل تحسین است. همچنین شجاعتشان در ابراز نظرشان در پایان کتاب که به صراحت بیان شده است و من مطالعه این کتاب را به همه علاقه‌مندان توصیه می‌کنم.

این کتاب، کتابی است با ارزش فراوان. تنها شاید بهتر باشد که تعداد مصاحبه‌شوندگان نظامی کتاب یک مقدار بیشتر از الان باشد تا تعادل بین مصاحبه‌شوندگان نظامی و غیرنظامی رعایت شود.»

بی‌نظیر بودن کتاب در نوع خودش

سردار سرتیپ پاسدار، دکتر یعقوب زهدی، دومین منتقد مدعوی بودند که دیدگاه‌هایشان را بدین شرح ابراز داشتند:

اما در این بین، به این نکته هم اشاره کنم که آن مواردی که از فلان روزنامه نقل قول شده یا فلان شخص مطلبی را نقل کرده است، به نظر بنده شاید نمی‌تواند یک منبع معتبر باشد. بنابراین، علی‌رغم کثرت منابع شاید مواردی از آن نمی‌تواند قابل استناد باشد.

مؤلف سعی کرده است که در بیان وقایع، موضع بی‌طرف‌بودنش را حفظ کند، ولی به اعتقاد بنده تا حدود ۷۰ - ۸۰ درصد توانسته است در این مسئله موفق باشد و این طبیعی هم هست و نویسنده نمی‌تواند کاملاً فارغ از وابستگی‌های خودش و تصورات و ذهنیت‌هایش باشد.

پاره‌ای از مطالب کتاب آقای دکتر علایی ارتش را گله‌مند می‌کند و به نظر می‌رسد که آن‌طور که باید و شاید تلاش‌ها و زحمات ارتش را بیان نکرده است. مثلاً هوانیروز را آن‌طور که باید و شاید ندیده‌اند و نیروی هوایی را آن‌طور که بایسته است ندیده‌اند و نقش نیروی زمینی هم مقداری در سایه قرار گرفته است یا مثلاً نقش نیروی هوایی و هوانیروز در عملیات مرصاد به خوبی بیان نشده است.



از راست: دکتر فرهاد درویشی، دکتر حسین اردستانی و دکتر حسین علایی

بخشی، قسمت نتیجه‌گیری وجود دارد که در آن نویسنده باید ابهامات خواننده را برطرف بکند و باید با استدلال و با منطق مسائل را تحلیل و تفهیم بکند.

درواقع ما انتظار داریم در جایی مثل کتاب آقای علایی ابهاماتی که در زمینه جنگ وجود دارد، چه پایان جنگ و چه ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر و... این ابهامات برطرف و روشن بشود. آنجایی که در پایان کتاب دستاوردهای جنگ را به صورت مبسوط آورده‌اند، خیلی خوب است؛ فقط یک خلأ و کاستی‌ای وجود دارد و آن هم نتیجه دفاع مقدس است که برای نسل جوان امروز ما مورد سؤال است که چه کسی بالاخره پیروز شد؟!

در کتاب، در آن بخش انتهایی، پاسخ قاطع نیامده است. چرا ما خودی‌ها و دست‌اندرکاران با ابهام صحبت می‌کنیم. باید بیاییم و بررسی کنیم که اگر دشمن به اهدافش رسیده است، او پیروز است و اگر ما به خوبی دفاع کرده‌ایم پس ما پیروزیم. در جنگ، دشمن می‌خواست انقلاب نوپای اسلامی را از بین برده و کشور را تجزیه کند و به ما ضرر

«بنده در روند نگارش کتاب در خدمت سردار علایی بوده‌ام و در دو نوبت که ایشان حاصل کارشان را به بنده داده‌اند نکات متعددی را خدمتشان داده‌ام و تقریباً همه آنها را هم مورد استفاده قرار داده‌اند.

این کتاب در نوع خودش بی‌نظیر است و امید است که این کتاب به آسانی در دسترس دانشجویان قرار بگیرد و در چاپ‌های بعدی کتاب نتیجه این ثمرات ان‌شاءالله به ثمر بنشیند و همه بتوانند از مطالب آن استفاده کنند.

اینکه سردار علایی گفتند سعی کرده‌اند که هیچ موضعی نداشته باشند و کاملاً بی‌طرف باشند، این مطلب در بخش توصیف می‌تواند درست باشد و در بخش تحلیل، نویسنده نمی‌تواند بگوید که من هیچ موضعی ندارم. مثلاً در مورد ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، نویسنده با توجه به آن اسناد و اطلاعات و مدارکی که در کتابش آورده است، باید بالاخره نتیجه‌گیری خواننده را روشن بکند و کسی که به این کتاب مراجعه کرده است می‌خواهد بفهمد که چرا جنگ ادامه پیدا کرده؟ در فصلی و

خودباوری را به جبهه‌ها برگرداند و تحلیل درستی از آن ارائه شود و این هم حقیقت ادا نشده است. در پایان، تبریک عرض می‌کنم به نویسنده و ناشر محترم و بنده این کتاب را اثر بسیار مهمی در این حیطه می‌دانم و از همه دست‌اندرکاران هم تشکر می‌کنم.»

حضور هوشمندانه و آگاهانه نویسنده در جنگ؛ از

بزرگ‌ترین محاسن کتاب

برادر عزیز جناب آقای دکتر فرهاد درویشی هم در این نشست موارد و نکاتی را بیان داشتند. ایشان اظهار کردند:

«ابتدا تشکر عرض می‌کنم خدمت حضار و نویسنده گرانقدر و ناشر محترم. بنده از سه منظر مباحث خودم را مطرح می‌کنم. ابتدا اشاره به سوابق نویسنده محترم خواهم کرد و دوم بیان مشکلات ناشی از نگارش تاریخ جنگ در کشور ما و خصوصاً در

سردار سرتیپ پاسدار، دکتر یعقوب زهدی: اینکه سردار علایی گفتند سعی کرده‌اند که هیچ موضعی نداشته باشند و کاملاً بی طرف باشند، این مطلب در بخش توصیف می‌تواند درست باشد و در بخش تحلیل، نویسنده نمی‌تواند بگوید که من هیچ موضعی ندارم.

شرایط فعلی و سوم نقد کتاب را در قالب معایب و محاسن کتاب در سه سطح روشی، شکلی و محتوایی به اختصار بیان خواهم کرد.

رابطه بین نویسنده و نثر، رابطه بسیار مهمی است و نمی‌توان اثری را بدون در نظر گرفتن مؤلف آن نقد کرد و آنچه که مسلم است، نویسنده در سطوح بالای عملیاتی و نظامی حضور داشته است و بیگانه نیست و از لحاظ علمی هم ایشان دوره‌های لازم و تحصیلات عالی را طی کرده‌اند و از این نظر هم ایشان در سطح عالی و بالایی قرار گرفته‌اند و

بزند و استان‌های مرزی را از خاک ما جدا کند، در حالی که به اهدافش دست نیافت؛ پس او شکست خورده است و ما در هدفمان که دفاع بوده است، پیروز شده‌ایم. پس چرا تعارف داریم و با ابهام این مسئله را مطرح می‌کنیم. اگر با تردید صحبت کنیم مخاطب ما می‌گوید پس حتماً شکست خورده‌ایم و تعبیر منفی از موضوع می‌کند.

در ابتدای جنگ هم نقش امریکا مورد غفلت واقع شده است و نقش او در کنار بقیه کشورهای نیست و ما امریکا را به عنوان یکی از عوامل تحمیل جنگ به خودمان می‌دانیم و می‌شناسیم و امریکا اراده کرده است که این جنگ علیه ما شروع بشود و اگر اراده نکرده بود، چنین جنگی شروع نمی‌شد و این بحث در مباحث ابتدای جنگ کتاب، مشهود نیست.

در این کتاب به مقاومت‌هایی که در ابتدای جنگ در شهرها صورت گرفته است به خوبی اشاره نشده است. مقاومت‌هایی چون: مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر یا گیلان غرب یا... و اثری که اینها گذاشته‌اند و استراتژی صدام را در همان ماه اول به شکست کشانده‌اند، به اینها اشاره شایسته‌ای نشده و این نتیجه‌گیری نشده است. به گونه‌ای که در مقاومت خرمشهر اسمی از شهید جهان‌آرا نیامده است و این بسیار عجیب است.

در این کتاب، از آن مقطع عملیات‌هایی که بن‌بست‌شکن بودند و پس از عملیات‌های ابتدای جنگ که پیوسته شکست می‌خوردیم، ایجاد شدند و نیروها را از آن حالت یأس و ناامیدی نجات دادند و روند بسیار مهمی در جنگ بودند که منجر به عملیات‌های موفق بعدی شدند، به خوبی و به شایستگی نامی برده نشده و به درستی به آن پرداخته نشده است. اسمی از سه‌تا از این عملیات‌ها برده شده، ولی جا داشت که به صورت متصل، به آنها پرداخته شود و کامل گفته شود که اینها روحیه

در کشوری چون کشور ما باید به گونه‌ای عمل کند که هیچ‌کس را از خودش ناراحت نکرده و نباید فکر زحمات افراد و انسان‌هایی باشد که در جنگ خدمت کرده‌اند و گویا باید مخفی‌نویسی کند و این مسئله بسیار مهم و بغرنجی است.

اما در مورد نقد کتاب باید بگوییم حضور هوشمندان و آگاهانه نویسنده در جنگ بسیار مهم و از محاسن کتاب است. مصاحبه‌ها و مذاکره‌های دکتر علایی با فرماندهان و دست‌اندرکاران و مسئولان جنگ، به‌نظم کار بسیار بزرگ و مغتنمی است.

کتاب با اینکه صفحات متعددی دارد، ولی اشتباهات تاپی کمی دارد که این هم از محاسن کتاب است. کتاب از نمایه و فهرست راهنما برخوردار است. یک‌سری اشکالات و ایرادات شکلی وجود دارد که مربوط به ویراستاری کتاب است و بنده اینها را متوجه نویسنده محترم نمی‌دانم. مثلاً اندازه متفاوت قطع دو جلد که یک سانتی‌متر تفاوت دارند یا نداشتن عنوان فصل در جلد اول که این نقیصه در جلد دوم برطرف شده است و در فهرست مطالب در جلد اول عنوان فصلها نیامده است. اشتباه در صفحه‌بندی صفحه ۱۲۷ یا اشتباهاتی که در نمایه وجود دارد که مثلاً اسم یک عملیات در قسمت اشخاص آمده است و... اما از نظر روش‌شناسی اگر ما بتوانیم روش‌ها و متدهای علمی بحث‌ها را پیش ببریم، به خواننده کمک بهتری می‌کنیم برای درک بهتر اثرمان. در این کتاب، مقدمه که باید پروپوزال و یک طرح برای کل اثر دیده باشد، این‌گونه نیست و این مقدمه پاسخ‌گوی این حجم کتاب نمی‌باشد. در مقدمه می‌بایستی مفاهیمی از کتاب به صورت مختصر عنوان می‌شد که در مقدمه نیامده است یا نقصان‌هایی که در کتاب قبل وجود داشته است و دلیل اینکه نویسنده به نوشتن کتاب ترغیب شده

از لحاظ شخصیتی هم ایشان از ویژگی‌های متعالی اخلاقی برخوردارند.

نکته دیگری که باید مطرح کنم آن است که تاریخ‌نگاری در کشور ما، کار سهل و ممتنعی است، خصوصاً اگر بخواهیم تاریخ جنگ را به نگارش درآوریم و اگر نویسنده بخواهد آن استانداردهای لازم را رعایت بکند چقدر کار دشوار و سختی خواهد بود.

درواقع، اگر کسی بخواهد فارغ از همه تعلقات

و ذهنیت‌هایش به نگارش

تاریخ آن هم تاریخ انقلاب

و دفاع مقدس دست بزند،

آن هم با اصول و روش‌های

علمی و آکادمیک، این کار

بسیار سخت و دشواری است

و اینکه نویسنده ممکن است

ناخواسته به سمت اطلاعاتی

برود که خوشایندش هست

و به آنها عادت کرده است

یا اینکه اسیر بزرگ‌بینی خود

نویسنده و یا نهادی که به

آن تعلق دارد بشود. درواقع

مشکل تاریخ‌نگاری اکنون

در کشور ما تحلیل‌هایی

است که به صورت امروزی از جنگ ارائه می‌شود

و شرایط اکنون کشور در آن تحلیل نقش داشته و

سوگیرانه خواهد بود.

مشکل دیگر تاریخ‌نگاری در کشور ما

افراط و تفریط می‌باشد و اینکه این دوگانه سپاه و

ارتش در تاریخ‌نگاری ما دچار افراط و تفریط نشوند

یا دوگانه نظامیان و سیاسیون دچار افراط و تفریط

نشود و هیچ‌کدام از ما ناراحت نشوند.

مشکل دیگر تاریخ‌نویسی در کشور ما دشواری

دسترسی به منابع است و اینکه نویسنده تاریخ‌نگار

دکتر فرهاد درویشی:
تاریخ‌نگاری در کشور ما، کار
سهل و ممتنعی است، خصوصاً
اگر بخواهیم تاریخ جنگ را به
نگارش درآوریم و اگر نویسنده
بخواهد آن استانداردهای لازم را
رعایت بکند چقدر کار دشوار و
سختی خواهد بود.

استانداردها رعایت نشده است؛ یعنی اینکه ما چطور یادداشت‌ها را ارجاع دهیم، استاندارد دارد که باید رعایت می‌شد. بعضی از جاها که نقطه‌نظری از کسی می‌آید، در پاراگراف معلوم نیست کدام‌بخش مربوط به نظر نویسنده و کدام بخش مربوط به آن شخص می‌باشد.

و نهایتاً، از نظر روش‌شناسی در انتهای دو کتاب، حتماً باید کتابنامه آورده می‌شد که در هیچ‌یک از دو جلد آورده نشده است.

از نظر محتوایی باید بگویم که در صفحات ۳۵ تا ۴۱ کتاب، تیتري آورده شده تحت‌عنوان وضعیت نظامی ایران، تحت‌عنوان «فصل اوضاع ایران از انقلاب تا آستانه جنگ»، در حالی که در تمام صفحات، وضعیت نظامی ایران در رژیم گذشته مورد بررسی قرار می‌گیرد و نه پس از انقلاب تا جنگ.

در صفحه ۳۹، تیتري آورده شده تحت‌عنوان تحریم تسلیحاتی ایران توسط امریکا که عنوان نامناسبی است و این واژه‌ها هرکدام مفهوم دارند در ادبیات بین‌الملل که به‌درستی استفاده نشده

است باید مطرح می‌شد که نشده است. همچنین روش کار باید در مقدمه به تفصیل مطرح می‌شد که چنین نیامده است و همین‌طور سازماندهی یا ساختار کتاب و در بعضی جاها با پیشگفتار اشتباه گرفته شده است.

نکته دیگر افراط در به‌کارگیری تیتراها است. در فصل‌ها که همان‌طور که گفته شد بیش از ۱۲۰۰ تیترا وجود دارد و به‌طور متوسط هر صفحه یک تیترا دارد. تیترا خوب است برای اینکه خواننده خسته نشود، ولی اگر هم زیاد باشد خواننده سردرگم شده و رشته مطالب از دستش خارج می‌شود و شاید در بعضی جاها احساس می‌شود که این مسئله خود نویسنده را هم سردرگم کرده است. باید تفکیک بین تیتراهای اصلی و فرعی انجام می‌شد که این اتفاق نیفتاده است و همه تیتراها وزن یکسانی دارند که این درست نیست و باید بعضی تیتراها زیرمجموعه بعضی دیگر از تیتراها باشند. همچنین در بعضی جاها منابع ذکر نشده که باید اصلاح شود و حتماً منبع ذکر شود. از نظر روش رفرنس‌دهی و مرجع‌نویسی،



سردار یعقوب زهدی و امیر مسعود بختیاری

نحوه تصمیم‌گیری‌ها و آزادسازی شهرها با دقت بیشتری مطرح می‌شد و به نظر می‌رسد که نقش شهدایی چون ناصر کاظمی، بروجردی، آبشناسان، پاوه و... کم‌رنگ دیده شده است.

باتوجه به تسلط دکتر علایی به زبان انگلیسی، به نظر می‌رسد که در این کتاب، بسیار بسیار کم از منابع لاتین استفاده شده است که این هم یک نقطه ضعف است. در منابع عربی گفته شده که از یک یا دو تا کتاب عربی استفاده شده است که آنها هم کتابهای ترجمه شده به فارسی بوده است.

به دلیل استفاده از منابع متعدد و مختلف، مطالب متناقض در کنار هم آمده که مثلاً فلان چیز از قول آقای سوداگر آمده است و مبحث دیگری از قول آقای هاشمی آمده است.

نکته دیگری که وجود دارد، بحث استفاده نشدن از منابع اسنادی سپاه و ارتش است که این نقیصه هم در کتاب وجود دارد و از منابع رسمی در کتاب استفاده نشده و نیز از دفاتر راویان که در قرارگاه‌ها حضور داشته‌اند هم نویسنده محترم بهره‌ای نبرده است. همچنین صحافی کتاب مخصوصاً جلد یک آن، از صحافی خوبی بهره‌مند نیست که باید در چاپ‌های بعدی این مورد هم در نظر گرفته شود.»

دشمن‌شناسی ناقص

پس از آن، آقای امیر صادقی‌گویا یکی از پژوهشگران هیئت معارف جنگ ارتش سخنانی بدین شرح ایراد کردند:

«وقتی که ما در جایگاه یک کارشناس قرار می‌گیریم باید فکر کنیم حتی ممکن است یک نفر مخاطب باهوش داشته باشیم؛ بنابراین، مطابق هوش او با مخاطب صحبت کنیم. حال ممکن است این مخاطب، مخاطب باهوش آگاه باشد و ممکن است مخاطب باهوش ناآگاه باشد.

نکته‌ای که در این بین مطرح است این است که ما

است. به موضوعات واحد تحت‌عناوین مختلف چندین بار در کتاب پرداخته می‌شود.

از لحاظ محتوایی اشکالی که بر کتاب وارد است، عدم تناسب محتوا با مخاطبین است. وقتی مخاطب، دانشجویان در نظر گرفته می‌شوند، یعنی کسانی که در زمان جنگ نبوده‌اند و خالی‌الذهن هستند، در حالی که در کتاب خیلی از قسمت‌ها برای من هم که در جنگ حضور داشته‌ام مسئله و مشکل داشته است.

منابع کتاب تعدد دارند، ولی تنوع ندارند.

در مجموع، خیلی از جاها هم

منابع تکراری هستند و به نسبت حجم کتاب می‌توانست منابع متنوع‌تری استفاده شود. به نظر بنده، در فصل نتیجه‌گیری ابتدا باید تعریفی از سه مقوله نتایج، دستاوردها و درس‌ها صورت می‌گرفت و پس از آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گرفت.

کم‌رنگ بودن موضوع کردستان در کتاب

در ادامه جلسه از حضار خواسته شد کسانی که

نقدی بر این کتاب دارند مطرح کرده تا همگان از آن بهره‌مند شوند. ابتدا آقای سرمدی به بیان دیدگاه‌هایشان درباره این کتاب پرداختند و موارد زیر را مطرح کردند:

«به نظر بنده، باتوجه به اینکه سردار علایی در ارومیه و آذربایجان غربی بوده‌اند، حق جنگ کردستان و شمال غرب به هیچ عنوان ادا نشده است و قضیه کردستان به عنوان یک بحران بسیار مهم در مملکت ما مطرح است و نمی‌توان به آن به عنوان یک مسئله عادی نگاه کرد و بهتر بود در کتاب

سعید سرمدی: «باتوجه به اینکه سردار علایی در ارومیه و آذربایجان غربی بوده‌اند، حق جنگ کردستان و شمال غرب به هیچ عنوان ادا نشده است و قضیه کردستان به عنوان یک بحران بسیار مهم در مملکت ما مطرح است و نمی‌توان به آن به عنوان یک مسئله عادی نگاه کرد.»

به نظر بنده صحت ندارد و چنین چیزی نیست. نکته دیگر این است که خیلی از عملیات‌هایی که ایشان مطرح کرده‌اند، از نظر جغرافیایی ایراد و اشکال دارد و نادرست است و به نظر می‌رسد که باید موارد اضافی و اغراق‌ها از مطلب پاک‌سازی شود تا منبعی متقن و بدون حواشی و اضافات، کار از آب دربیاید.»

گرایش حداکثری بر توصیف وقایع به جای تحلیل آن

در بخش دیگری آقای محمدجواد اکبرپور به نمایندگی از گروه مطالعات نظامی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس دیدگاه‌های خود را درباره کتاب به شرح زیر بیان کردند:

«برای اینکه بتوانیم درک درستی از نویسنده و نقد منصفانه‌ای از کتاب داشته باشیم باید به این نکته دقت کنیم که از یک طرف آقای علایی در این کتاب از دید یکی از فرماندهان جنگ

اکبرپور: در این کتاب اولاً فضای توصیفی بر تحلیل غلبه دارد. ثانیاً عدم انسجام شکلی و محتوایی کتاب، به ویژه کثرت تیرهای آن موجب سردرگمی خواننده شده است.

در حال روایت این واقعه هستند و از سوی دیگر، از دید استاد دانشگاه می‌خواهند روند و سیر جنگ را تبیین نمایند و روش علمی‌ای را برای این کار اتخاذ می‌کنند و ما در واقع باید اثر را با توجه به این دو مورد بررسی و تحلیل کنیم و در نظر بگیریم. اگرچه نویسنده خواسته است در کتاب تبیین تاریخی داشته باشد، ولی گرایش بیشتر به سمت روایتگری است و این باعث شده است که اثر یک محاسنی داشته باشد و یک معایبی داشته باشد و از جمله عیوب، بحث عدم انسجام است که در

کی می‌خواهیم روایتی علمی از یک واقعه داشته باشیم و نه گفت‌وگو و مصاحبه با فلان کس یا بهمان کس یا مثلاً به صورت کلی در کتاب گفته می‌شود سپاه یا ارتش یا بسیج، حالا اینها چه تعداد نیرو هستند خدا می‌داند در حالی که این باید در کتاب می‌آمد.

البته، بنده تمام آن محاسنی که برادران قبلی گفتند را قبول دارم و دیکته نانوخته غلط ندارد. در چندجا مباحثی که مطرح شده یا به صورت مختصر بوده یا حق مطلب ادا نشده است.»

در ادامه یکی دیگر از برادران حاضر در جلسه نظرهای خودشان را بدین ترتیب مطرح کردند: «همان‌طوری که گفته شد، بحث گردستان در این کتاب کم‌رنگ دیده شده است و اختلافاتی که بین جنوبی‌ها و غربی‌ها وجود دارد در این کتاب هم مشهود است که باعث گله‌مندی ما به دکتر اردستانی و مرکز اسناد شده است و چرا باید این تضادها در کتاب‌های مرکز مشهود باشد! در این کتاب دشمن‌شناسی کامل نشده است و هدف دشمن از حمله به ما مشخص نشده است.»

اغراق و تناسب نداشتن موضوعات

از مباحث دیگری که یکی دیگر از حضار مطرح کردند این بود که:

«در کتاب مشکل و ایراد اغراق و مبالغه‌گویی وجود دارد و نیز عدم تناسب مباحث و موضوعات می‌باشد. در مورد برخی مباحث مثل مسئله عملیات میمک نویسنده محترم چیزی نگفته است و به نظر می‌رسد اطلاعات دقیقی داده نشده است یا در مورد مسئله نوسود، که چندین عملیات انجام شده است، تنها نویسنده اشاره‌ای کرده است یا در مورد برخی یگان‌ها در این منطقه حق مطلب به درستی ادا نشده است یا در مورد مباحثی که درباره عملیات محرم مطرح شده، به نظر می‌رسد که اطلاعات درست و صحیح نیست یا گفته‌های نویسنده محترم در مورد عملیات فتح‌المبین

درمقام دفاع، نکات و مواردی را که به نظرشان می‌رسید ابراز داشتند که به اختصار ذکر می‌شود:

«بنده از همه دوستان متشکرم به‌ویژه از آنهایی که از بنده و اثرم تعریف کردند، گرچه بیشتر دوست داشتم اثر را مورد نقد قرار دهند. اسم کتاب تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق است که در چاپ نامش عوض شده است و امیدوارم که مرکز در چاپ‌های بعدی نام اصلی کتاب را بر روی آن بگذارد. نکته دیگر اینکه بعضی وقایع که از روزنامه نقل شده به دلیل تاریخ آن است و نه منبع بودن روزنامه. مسائل تحلیل را روزنامه خوب بیان نمی‌کند، ولی وقایع روز را که در آن تاریخ اتفاق افتاده به خوبی بیان می‌دارد و من از این جنبه روزنامه‌ها استفاده کرده‌ام. همچنین برادران ارتش مواردی را که فکر می‌کنند سوگیرانه و نادرست است را به بنده بدهند و بنده حتماً اصلاح خواهم کرد و آنها راضی خواهند شد، حتی جاهایی که سپاهیان و دیگران معتقدند که ارتش در آن عملیات‌ها شکست خورده‌اند، من به صراحت این مسئله را اعلام نکرده‌ام، ولی مسئله را درست بیان کرده‌ام. در مورد نیروی هوایی و هوانیروز هم تمام آنچه که آنها انجام داده‌اند و وقایعی که رخ داده است را تمامی آن را بیان کرده‌ام، البته در حد مختصر و با ایجاز، چون نمی‌خواهم شرح مفصلی از وقایع را بیان کنم و همه آمار و ارقامی که از نظر آنها درست است را من از آنها گرفته‌ام و در این کتاب آورده‌ام و همه اینها مستند به گفته خودشان است و نه گفته‌های ما.

بنده در مورد اقدامات نیروی زمینی به صورت مختصر، همه وقایع و مسائل را مطرح کرده‌ام و این جور که ایشان می‌گویند نقش نیروی زمینی در سایه است، این گونه نیست و بنده می‌توانم در کتاب این را نشان بدهم. بنده اقدامات ارتش را در سه زمینه بیان داشته‌ام که شرح مفصل و موجزی

صحبت‌های دوستان هم به آن اشاره شد. چه در موارد شکلی و چه موارد مباحث محتوایی کتاب و به خاطر کثرت تیتراهای آن انسجام و پیوستگی خود را از دست داده است و این مسئله خواننده را سردرگم می‌کند و به نظر می‌رسد از لحاظ ساختاری و کلان که نویسنده سعی در توصیف و تحلیل دارد، ولی بیشتر به توصیف پرداخته است. نقطه قوت کتاب جامعیت و حضور نویسنده در صحنه جنگ است و ایشان اولین فرمانده سپاه است که سیر جنگ ایران و عراق را نوشته است.»

سطح کلان و کلی کتاب

پس از ایشان، یکی از حضار محترم دیدگاه‌هایشان را بدین ترتیب بیان کردند:

«به نظرم باید در مقدمه کتاب روش‌شناسی کتاب می‌آمد تا اینکه دوستان، سطح کلان کتاب را ببینند و دیگر در مسائل ریز نشوند. این کتاب یک [کتاب] ژورنالیستی نیست و کتاب مرجع است و نویسنده نمی‌توانسته در آن حاشیه‌سازی کند و حرف‌های غیر واقع و پراکنده بگوید و خود نویسنده به نظرم به‌شخصه یک مرجع هستند و اگر ایشان توانسته است در دو جلد کتاب ۱۰ یا ۸ سال جنگ را بنویسند، نمی‌تواند به همه جزئیات و مسائل پردازد و باید کلان حرف بزند و وقتی قلم دست گرفتگی و خواستی بنویسی بالاخره عینک دیدت محدود است. روش تحقیق مسئله‌محور با نتیجه‌محور خیلی متفاوت است و نویسنده در اینجا سعی کرده است معیار را به دست مخاطب بدهد و با نتیجه کاری ندارد و خود مخاطب باید مسائل را تحلیل کرده و به قضاوت بنشیند و نمی‌تواند که خودش بگوید و خودش نتیجه بگیرد.»

نقش برجسته ارتش در کتاب

در پایان، آقای دکتر علایی باز هم پشت تریبون رفته،

در مصاحبه‌ها بیشتر هستند، به دلیل دسترسی بنده به آنها است، گرچه در این مسائل هم از دید بنده یک تعادل وجود دارد.

در مورد ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، من موضع خاصی ندارم، اما دقیقاً وقایع را بیان داشته‌ام و مسائل و تحلیل‌ها را گفته‌ام و در اینجا چندین صفحه نوشته‌ام که چرا جنگ تمام نشد و بعد رسیدم به تصمیم عبور از مرز که چه شد به این تصمیم رسیدیم.

ما در اینجا نمی‌خواستیم مسئله کردستان را بیان کنیم، بلکه آن را در رابطه و نسبت به کل جنگ دیده‌ایم و بررسی کرده‌ایم و نه به‌عنوان یک مسئله جدا و آمار و ارقامی که نوشته‌ام صددرصد درست است و برای آنها سند دارم.

البته، بنده امروز خواهم رفت و کتاب را باتوجه به هدایایی که امروز به من داده‌اید دوباره بررسی خواهم کرد و این نکته را هم بگویم که در ۱۰۰ صفحه‌ای که بنده اضافه کرده‌ام، اکثر نکاتی که شما اشاره کرده‌اید را اضافه کرده‌ام و جا داده‌ام. در مورد اشکالات چاپی ان‌شاءالله در چاپ دوم برطرف خواهد شد.»

است. با اینکه بسیاری نقش ارتش را به‌گونه دیگری می‌بینند، ولی من نقش آن را بسیار برجسته کرده‌ام و ایراد این کتاب آن است که به دلیل اینکه برهه طولانی‌ای را شامل می‌شود، باید موجزگویی انجام می‌شده؛ بنابراین، تشریح مسائل در آن کم است، حال آنکه وقایع همگی در آن آمده است. به نظر من پس از این مطالب، کسی نمی‌تواند محتوای مطالب را اضافه کند و نه اینکه بتواند توضیحات و تشریح مسائل را اضافه کند.

در مورد عملیات مرصاد درست است که طرح و نقشه نداشته، ولی فرماندهی در صحنه داشته است و اتفاقاً هرچه اطلاعات من در مورد عملیات مرصاد از هوانیروز و ارتش و نیروی هوایی پیدا کردم همه را در کتاب قید کرده‌ام.

بنده با تمام دوستانی که امکان دسترسی بهشان بوده است، مصاحبه کرده‌ام و تماس گرفته‌ام و صحبت کرده‌ام و به همه پیش‌نویس کتاب را تحویل داده‌ام تا نظراتشان را بیان دارند، ولی بسیاری از فرماندهان آن زمان یا حوصله بیان دوباره وقایع را ندارند یا وقتش را ندارند و اینکه می‌گویند فرماندهان سپاه